

روندهای آینده دموکراسی در خاورمیانه تا ۲۰۲۵ و تأثیر آن بر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران

مجتبی شریعتی^۱ - حسین سلیمی^۲

دریافت: ۹۶/۶/۵ - پذیرش: ۱۳۹۷/۲/۴

چکیده

منطقه خاورمیانه در حال تحول است. عوامل و بازیگران بسیاری نیز بر تحولات آن اثرگذار است که بر پیچیدگی مسائل آن می‌افزاید. این وضعیت سیال و مبهم موجب مواجهه با سناریوهای مختلفی شده است که می‌تواند آینده کشورهای اسلامی و به‌طور کلی خاورمیانه را به اشکال مختلفی رقم زند. در این مقاله به این سؤال اصلی پاسخ داده می‌شود که: روندهای آینده دموکراسی در خاورمیانه تا سال ۲۰۲۵، چه تأثیراتی بر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران می‌گذارد؟ در پاسخ به این پرسش، با بررسی آینده‌پژوهانه روندهای آینده دموکراسی در خاورمیانه، در چارچوب نظریه سازه‌انگاری و با روش دلفی، پرسش‌نامه‌ای طراحی و در اختیار خبرگان موضوع قرار گرفت. در ادامه، با هدایت تیم راهبری، داده‌های پرسش‌نامه‌های دلفی، تجزیه و تحلیل شدند. سپس نتایج و نظرات خبرگان و پاسخ‌دهندگان به گویه‌ها، تحلیل کیفی شد و چهار سناریوی اصلی به دست آمد که شامل تفوق و حاکمیت مردم‌سالاری دینی؛ سکولاریسم؛ سلفی‌گری و حکومت‌های نظامی، سلطنتی مطلقه و قومی هستند. در نهایت مطلوب‌ترین سناریو و تهدیدآمیزترین سناریو برای جمهوری اسلامی ایران معرفی و راهکارهایی ارائه می‌شود.

واژگان کلیدی: آینده‌پژوهی، دموکراسی، خاورمیانه، دلفی، منافع ملی.

مقدمه

جهان معاصر عرصه دگرگونی‌های شگرفی است؛ تحولاتی سریع و غافلگیرکننده که غفلت از آن ممکن است عواقب ناگواری را برای دولت‌ها در پی داشته باشد. در این محیط مجهول و متلاطم جهانی، رویکردی که می‌تواند راهگشای دولت‌ها باشد، توجه به آینده و رمزگشایی از تحولات آتی است. از همین روی در مطالعات جدید که از نیمه دوم قرن بیستم شکل گرفته است، رشته نوینی به نام آینده‌پژوهی یا مطالعات آینده پدید آمده است. آینده‌پژوهی که ریشه بسیاری از بحران‌های کنونی را در توجه نکردن به عوامل و متغیرهای اولیه این بحران‌ها در گذشته می‌داند، بر آن است تا با عبور از اندیشه مقطعی‌نگر، به پیش‌بینی حوادث و رویدادهای آینده پرداخته و ضمن کشف سناریوهای احتمالی پیش‌روی، سیاست‌گذاران و تصمیم‌سازان را در طراحی استراتژی‌ها و راهکارهای مقابله با تهدیدات و بحران‌های احتمالی و استفاده بهینه از فرصت‌های تازه یاری دهد. بدین ترتیب، توجه به آینده‌پژوهی یعنی اولویت‌بخشی به اهداف و منافع ملی و در این مسیر دولتی‌هایی می‌توانند برنامه‌ریزی‌های مناسب‌تری داشته باشند و لذا، موفقیت‌های بیشتری را کسب کنند که تصویرسازی دقیق‌تری از آینده جهانی داشته باشند.

منطقه خاورمیانه نیز به شدت در حال تحول است. تحولات به وقوع پیوسته در این منطقه، با توجه به جایگاه والای ژئواکونومیک و ژئوپلیتیک و ژئواستراتژیک آن، برای جمهوری اسلامی اهمیت ویژه‌ای دارد. مضاف بر این، از منظر هویتی و دینی نیز اشتراکات متعددی میان ملت‌های خاورمیانه وجود دارد که به درهم‌تنیدگی سرنوشت ایران و خاورمیانه افزوده است. از سوی دیگر، در بررسی تحولات خاورمیانه، بویژه پس از سلسله رویدادهایی که از ۱۶ ژانویه ۲۰۱۱ آغاز شدند، آنچه در اولین نگاه به نظر می‌رسد تلاش‌های جنبش‌های خودجوش و مردمی برای تغییر رژیم‌های خودکامه و حرکت به سوی جامعه‌ای با شاخص‌های دموکراتیک است؛ اما وقتی به بطن مسئله و لایه‌های پنهان آن رجوع می‌کنیم، با انتظارات مختلف و حتی متناقضی روبه‌رو می‌شویم. انتظاراتی با دامنه‌ای وسیع که از سلفی‌گری تا لیبرال‌دموکراسی را در خود جای داده است. تحقق هرکدام از این گفتمان‌ها، وضعیت جدید و سناریوی خاصی را شکل می‌دهد که ممکن است آینده خاورمیانه را به گونه‌ای متفاوت رقم بزند. جمهوری اسلامی ایران اگر بخواهد تهدیدات پیش‌روی را به حداقل برساند و از فرصت‌های موجود نهایت بهره را ببرد، لاجرم می‌بایست به پیش‌بینی وضعیت آینده خاورمیانه همت گمارد و با طراحی سناریوهای مختلف و همچنین ارائه راهکارهای مناسب برای مواجهه با هر یک از این سناریوهای احتمالی اقدام کند؛ از

این روی در این مقاله، در پاسخ به این پرسش اصلی که: روندهای آینده دموکراسی در خاورمیانه، تا سال ۲۰۲۵، چه تأثیراتی بر منافع ملی جمهوری اسلامی ایران می‌گذارد؟ در یک مطالعه آینده‌پژوهانه از روندهای آینده دموکراسی در خاورمیانه در چارچوب نظریه سازه‌نگاری و با شیوه دلفی، پرسش‌نامه‌ای با ۲۳ گویه طراحی شد و طی دو مرحله در اختیار ۴۰ نفر از خبرگان و متخصصین موضوع قرار گرفت. در ادامه، با هدایت تیم راهبری، داده‌های پرسش‌نامه‌های دلفی، توسط نرم‌افزار Excel و در قالب نمودارها و جداول مختلف تجزیه و تحلیل شدند. سپس نتایج و نظرات خبرگان و پاسخ‌دهندگان به گویه‌ها، تحلیل کیفی شد و چهار سناریوی اصلی به دست آمد که شامل حاکمیت و تفوق مردم‌سالاری دینی؛ سکولاریسم؛ سلفی‌گری و حکومت‌های نظامی، سلطنتی مطلقه و قومی می‌شوند. در پایان نیز راهکارهایی نیز برای رسیدن به سناریوی مطلوب و متحقق نشدن سناریوی تهدیدآور ارائه می‌شود.

انتخاب سال ۲۰۲۵ برای این پژوهش، دلایلی دارد که یکی تأکید چشم‌انداز مهم جمهوری اسلامی ایران بر افق ۱۴۰۴ است؛ دیگری پایان ربع اول قرن بیست‌ویکم که در هدف‌گذاری‌های مراکز آینده‌پژوهی معتبر جهانی نیز بر آن تأکید شده است و نکته بعد نیز رعایت دامنه استاندارد مطالعات دلفی است. نکته دیگر آنکه این پژوهش با مطالعه بررسی‌های صورت گرفته رایج همانند تألیف کتاب، تدوین پایان‌نامه مستقل یا مقالاتی در این زمینه هم‌سنخ نیست و اقدامی بدیع است. البته مؤسسات معتبر آینده‌پژوهی جهانی به صورت دوره‌ای اقدام به ارائه پیش‌بینی‌های خود درباره مسائل مختلف جهانی و از جمله این موضوع می‌کنند که مورد توجه محققان و تصمیم‌سازان همه مناطق دنیا نیز قرار می‌گیرد. به عنوان نمونه، می‌توان از چهار گزارش مهم مؤسسات معتبر و شهیر جهانی نام برد که دربرگیرنده روندهای خاورمیانه تا ۲۰۲۵ است: گزارش اندیشکده شورای آتلانتیک^۱: «خاورمیانه در سال ۲۰۲۰، تعیین‌کننده روند جهانی یا متأثر از آن؛ پیش‌بینی‌های انجمن آینده جهان»^۲، «بیست پیش‌بینی برای سال‌های میان ۲۰۲۵ - ۲۰۱۱»^۳؛ گزارش استراتفور^۴: «جهان تا سال ۲۰۲۵ چگونه خواهد بود»^۵؛ گزارش شورای اطلاعات ملی امریکا: «روندهای جهانی ۲۰۲۵: دنیای تغییر یافته»^۶. آشنایی با این گزارش‌ها علاوه بر بیان پیشینه موضوع پژوهش، تأکیدی بر این نکته است که می‌توان با بهره‌گیری از روش دلفی به تحلیل‌های کیفی

1. Atlantic Council
2. World Future Society
3. 20 Forecasts for 2011-2025
4. Stratfor
5. Decade Forecast: 2015-2025
6. Global Trends 2025: A Transformation World

مناسبی نیز رسید. دیگر آنکه، با مطالعه این گزارش‌های جهانی و مقایسه با نتایج مستخرج از دلفی تحقیق حاضر، به نوعی معیاری برای سنجش میزان اعتبار نتایج به‌دست آمده در اختیار است. همچنین در طراحی پرسش‌نامه دلفی مدنظر، از چند گزاره مهم برای منافع ملی جمهوری اسلامی ایران استفاده شده است که در این گزارش‌های آینده‌پژوهی نیز بر آن تاکید شده است. با این توصیفات، این پژوهش تلاش دارد تا با انجام مطالعه‌ای آینده‌پژوهانه و با ارائه سناریوهای علمی از روندهای آینده دموکراسی در خاورمیانه تا ۲۰۲۵، زمینه تصمیم‌سازی هوشمندانه و خردورزانه سیاست‌گذاران جمهوری اسلامی ایران را فراهم کند.

مبانی نظری

به دلیل آنکه از مفاهیم سازه‌نگارانه برای یک تحقیق آینده‌پژوهانه مبتنی بر دلفی استفاده شود، مرور برخی مفاهیم پایه در این رهیافت نظری لازم است. در رابطه با دو مقوله منافع ملی و دموکراسی که مفاهیم اصلی این مقاله است، طیف‌های مختلف نظریه‌های روابط بین‌الملل دیدگاه‌های خاص خود را دارند. در رابطه با اولین واژه باید گفت که گاه واژه منافع ملی به حدی گنگ و مبهم است که به آسانی نمی‌توان رابطه‌ای میان سیاست‌گذاری‌های دولت‌ها و منافع ملی آنها برقرار کرد؛ در حالی که منافع ملی با قدرت ارتباط مستقیم دارد، مفاهیم قدرت و منافع هر دو دارای جنبه‌های ذهنی و انتزاعی نیرومندی هستند که با ارزش‌ها درآمیخته‌اند. با این توصیفات، ارزش‌ها و بینش‌های متفاوتی که درباره منافع ملی وجود دارد، چنین می‌نماید که این مفهوم بیشتر جنبه ذهنی دارد و نه عینی (نقیب‌زاده، ۱۳۷۳: ۷۲).

با این وجود، محرک و مبنای اولیه رفتار و طراحی سیاست‌های دولت‌ها در صحنه بین‌الملل، همان مفهوم منافع ملی است (Lincoln & Padelford, 1976: 198). به عبارت دیگر، منافع ملی، اصلی‌ترین ملاکی است که سیاست‌گذاران خارجی در تفسیر موقعیت‌های بین‌المللی از آن بهره می‌گیرند و سیاست‌های خود را منطبق و سازگار با آن اتخاذ می‌کنند. این مفهوم دارای دو محتوای ثابت و متغیر است. محتوای ثابت و کاستی‌ناپذیر منافع ملی عبارت است از حفاظت از ملت، به عنوان یک مجموعه مستقل سیاسی که قادر است قلمرو خود و وحدت آن را حراست و نهادهای خویش را محافظت کنند. به تعبیری دیگر، صیانت از خود، استقلال، وحدت قلمرو، امنیت نظامی و وضع مطلوب اقتصادی، جزو منافع ملی ثابت و همچنین، مشترک میان تمامی واحدهای سیاسی جهان به‌شمار می‌رود. بخش متغیر منافع ملی عبارت است از کارکرد عوامل بسیاری چون فرهنگ و

سنت‌های مورد پذیرش ملت، شخصیت رهبران سیاسی، فلسفه‌ها و باورهای سیاسی احزاب رقیب، شرایط موجود بین‌المللی، تمایلات افکار عمومی و نقطه نظرات آنان، تأثیر تکنولوژی متحول و غیره. تمامی این عوامل می‌توانند بر ایستارهای تصمیم‌گیرندگان در این خصوص که منافع ملی چه چیزی را ایجاب می‌کند، تأثیر گذارند (لینکلتر؛ سازگار، ۱۳۸۶: ۱۲۳).

مفهوم دیگر این پژوهش دموکراسی است که در نظریه و عمل روابط بین‌الملل همچون خیر عمومی پذیرفته شده است. به علاوه، ارزش دموکراسی و دموکراتیزاسیون، به خرد متعارف یا عقل سلیم، برای بسیاری از چشم‌اندازهای نظری در رشته پژوهشی روابط بین‌الملل بدل شده است؛ به نحوی که از رئالیسم دفاعی تا جهان‌میهنی را شامل می‌شود.

رویکردهای گوناگون روابط بین‌الملل مفاهیم و مقولات مختلف را از منظر خود تبیین می‌کنند. رویکردهای سنتی که شامل رئالیسم و ایدئالیسم بودند و به رویکرد اثبات‌گرایی در روابط بین‌الملل شناخته می‌شوند، بر این باورند که در عرصه روابط بین‌الملل، مفاهیم قطعی و ثابتی چون منافع ملی، دولت و ذات بشری وجود دارد. اگرچه برخی از بحث‌های واقع‌گرایان کلاسیک و نوواقع‌گرایان و همچنین لیبرال‌ها و نولیبرال‌ها حاکی از آن است که عوامل معنایی هم‌نقشی در توضیح روابط بین‌الملل دارند؛ اما این عوامل نقش تعیین‌کننده اصلی در این نظریه‌ها پیدا نمی‌کنند (مشیرزاده و مسعودی، ۱۳۸۸: ۲۵۳). در طرف دیگر، رویکردهای واکنشی که شامل نظریات انتقادی و فمینیستی و پست‌مدرنیستی است، به مفروضات غیرثابت در تحلیل پدیده‌ها معتقدند و اینکه با توجه به بازیگران متعدد، تلقی از رویدادها نیز ناهمسان است. فرانظریه سازه‌انگاری اجتماعی که چارچوب اصلی نظری مقاله حاضر نیز بر آن استوار است، در تلاش است با تلفیق این دو رویکرد، کاستی‌های آن‌ها را گرفته و تصویر دقیق‌تری از صحنه سیاست بین‌الملل ارائه نماید. طرفداران این رهیافت تلاش کرده‌اند تا، آنجا که رویکردهای خردگرا از تبیین در می‌مانند و آنجا که رهیافت‌های بازاندیش‌گرا درگیر بحث‌های انتزاعی و فلسفی صرف می‌شوند، سازه‌انگاری گامی به جلو باشد (دهقانی فیروزآبادی و نوری، ۱۳۹۰: ۳۶).

اختلاف اصلی سازه‌انگاران و تمامی دیگر انواع نظریه‌پردازان، به برداشت سازه‌انگاران از سرشت نظام‌ها و کنشگران در سیاست جهان باز می‌گردد. هویت و اولویت‌های دولت‌ها نه ثابت و نه تغییرناپذیرند و از یک دولت به دولت دیگر فرق می‌کند (چرنوف، ۱۳۸۸: ۱۴۷). همچنین از نظر سازه‌انگاران هویت عاملی است که این امکان را در اختیار ملت‌ها قرار می‌دهد تا پیرامون خود را تفسیر نمایند، نسبت به تفکیک موجودیت‌های اطراف خود اقدام نموده و برخی را دوست و برخی

را دشمن پندارند. با این ذهنیات است که دولت‌ها اقدام به ائتلاف یا معارضه، حفظ و یا تغییر وضعیت موجود می‌نمایند (Wilmer, 1998: 59). از نگاه آنان هویت دولت، شامل هویت جمعی که عبارت است از خصوصیات درونی، مادی و ایدئولوژیک آن و هویت اجتماعی آن که همان معنایی است که کنشگر در نگاه به دیگران برای خود متصور است (Price&Smit, 1998: 268). در این میان، روابط بین دولت‌ها نه بر اساس قدرت که بر اساس معنایی است که آن‌ها برای هم متصورند شکل می‌گیرد (آقایی، ۱۳۸۸: ۴). نتیجه آنکه، سازه‌انگاری عمدتاً روی آگاهی و هویت منطقه‌ای، احساس تعلق به یک اجتماع منطقه‌ای خاص و یا آنچه اصطلاحاً منطقه‌گرایی شناختاری گفته می‌شود، تمرکز می‌کنند. سازه‌انگاران معتقدند که با درک ساختارهای بین‌الذهانی می‌توان جهت تغییر منافع و هویت‌ها و نیز ظهور اشکال جدید همکاری را در زمان ردیابی کرد (قوام، ۱۳۸۵: ۲۵۴).

از این منظر، در بررسی تحولات خاورمیانه بایستی از نقش تکوینی و قوام‌بخش انگاره‌های معنایی مثل انگاره‌های مذهبی اسلامی سخن به میان آورد؛ چرا که بیش از ۹۰ درصد جمعیت منطقه خاورمیانه را مسلمانان شکل می‌دهند که از این تعداد ۸۶ درصد اهل تسنن و ۱۶ درصد اهل تشیع هستند. همچنین بایستی بر نقش اسلام و آموزه‌های آن به عنوان هنجارها و قواعد رفتاری در تکوین هویت ملت‌های منطقه تأکید کرد که همین هویت بخشی دین اسلام، باعث تعریف دیگری به عنوان دوست و دشمن یا رقیب می‌شود و مرزهای میان خودی و غیرخودی را تعیین می‌کند؛ از این رو اصطلاح امت اسلامی که مبنایی فکری و عقیدتی داشته و بردی فراتر از مرزهای ملی دارد، جهان مقابل خود یعنی اجتماع غیرمسلمانان را نیز به همین سان یکپارچه می‌بیند (نقیب‌زاده، ۱۳۷۳: ۱۵۵). علاوه بر پررنگ بودن عامل هویت و انگاره‌های اسلامی، عواملی نظیر ناسیونالیسم عربی، وجود اقلیت‌های قومی بدون دولت همچون کردها و فلسطینیان، شکاف میان شیعه و سنی، وفور گروه‌های تروریستی بنیادگرا و پیگیری منافع دوگانه مادی و غیرمادی (هویت‌ی و هنجاری) از سوی دستگاه سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران و برخی کشورهای منطقه، همگی مؤید آن است که سازه‌انگاری در قامت نظریه‌ای جامع می‌تواند روندهای موجود در این منطقه، ذهنیت‌ها و عملکرد دولت‌ها و سرانجام نوع تصمیمات و برقراری روابط جمهوری اسلامی ایران با دولت‌های خاورمیانه‌ای را به خوبی توجیه کند.

دموکراسی و آینده آن در خاورمیانه

دموکراسی، هم واژه‌ای مقدس است و هم بی‌قاعده. ما همه آن را دوست داریم و هرکسی

ادعای آن را می‌کند؛ اما هیچ‌کس به‌طور کامل دارای آن نیست (Rick, 2000: 191). این واژه، برای اولین بار، در میانه قرون چهارم و ششم قبل از میلاد، در دولت‌شهرهای یونان باستان و بویژه در آتن ظاهر شد (Woolf, 2005: 10). واژه دموکراسی^۱، برگرفته از دو واژه یونانی Kratos^۲ یا همان قدرت و Demos^۳ به معنای مردم است (Kyriazis, 2005: 61). دموکراسی به عبارتی ساده به معنای حاکمیت دموس (توده مردم) بوده است.

تبیین دموکراسی از دو منظر کلی ممکن است. اگر ویژگی اصلی دموکراسی را تصمیم‌گیری مبتنی بر توافق جمعی تلقی کنیم، دموکراسی سابقه‌ای به درازای تاریخ خواهد داشت و هیچ‌کدام از نظریه‌های سیاسی در طول قرون گذشته نتوانسته‌اند به اندازه دموکراسی از خود تأثیر بر جای بگذارند (روریش، ۱۹۷۸: ۱۸۳)؛ اما اگر دموکراسی را با ویژگی‌های خاص آن در نظر بگیریم، دموکراسی پدیده‌ای مدرن است که از قرن بیستم در جهان ترویج شد.

دموکراسی را در دو سطح تعریف می‌کنند. با یک تعریف حداقلی، دموکراسی شامل کشورهایی است که در آن انتخابات به صورت آزاد، رقابتی، منصفانه و مکرر برگزار گردد و در پی آن منصب‌های اصلی حکومت و نحوه تخصیص آن‌ها مشخص شود. در واقع، اندیشمندان طرفدار این سطح از دموکراسی پذیرفته‌اند که دموکراسی صرفاً به معنای روندی سیاسی است که طی آن، افراد در یک فرآیند رقابتی جهت کسب آرا و به دست گرفتن قدرت شرکت می‌کنند (Schumpeter, 1942: 250).

واقعیت آن است که میان‌گذار از حکومت‌های اقتدارگرا به دموکراسی انتخاباتی و فرآیند زمان بر ایجاد و تثبیت دموکراسی عمیق، اختلاف زیادی وجود دارد. در فرآیند دموکراسی حداکثری، که تأکید آن بیشتر بر شیوه زیست اجتماعی و فرهنگی است تا فرآیندی سیاسی، فرهنگ دموکراتیک در کل جامعه تسری یافته و نه تنها مختص نخبگان سیاسی می‌باشد (کوهن، ۱۹۷۱: ۴۱). البته با این تعریف از دموکراسی و در جهان امروز، دموکراسی هنوز به عنوان یک آرمان باقی مانده است و هیچ حکومت تماماً دموکراتیکی وجود ندارد (Sklar, 1996: 27)؛ از این‌روی، مراد از دموکراسی در این نوشتار نیز دموکراسی حداقلی است.

در قرن حاضر، مردم شاهد گسترش دموکراسی به عنوان نظام سیاسی مسلط در جهان هستند و از

1. Democracy

2. Kratos in Greek, Means Power, Force, Authority

3. Demos in Ancient Athens Meant the Total of the Citizens

این شهروندان شامل همه مردم نمی‌شدند؛ بلکه شهروندانی را در بر می‌گرفت که دارای حق رأی بودند.

این روی، حکومت‌های انتخابی برای بیشتر ملت‌های دنیا مفهومی آشنا است. هانتینگتون از این تحول به موج سوم دموکراتیک شدن یاد کرد (Huntington, 1991: 3). به نظر می‌رسد موج چهارم دموکراسی از سال‌های پایانی دهه ۱۹۸۰ در کشورهای خاورمیانه و شمال آفریقا آغاز شده است (Tilly, 2007: 43-44)؛ بدین ترتیب، روند رو به افزایش دموکراتیک شدن موجب شده که حتی معدود حکومت‌های خودکامه هم درصدد باشند تا خود را به عنوان دولت‌هایی دموکراتیک معرفی کنند.

در این میان، در منطقه خاص خاورمیانه، فقط ایدئولوژی طالبان در افغانستان این جرأت یا حماقت را داشت که به صراحت اعلام کند از قواعد جاری دموکراسی پیروی نمی‌کند و اساساً دموکراسی را پدیده‌ای نامطلوب تلقی می‌کند. دیگر نظام‌ها با هدف کسب مشروعیت درونی و رهایی از فشارهای سیاسی بین‌المللی ترجیح داده‌اند تا از ادعای دموکراسی‌خواهی سود جویند (بشیریه، ۱۳۸۴: ۲۷۰). البته داعش، جبهه النصره، و سایر گروه‌های سلفی تکفیری منطقه که از سرچشمه فکری مشترکی با طالبان برخوردارند هم با مفهوم دموکراسی بیگانه‌اند.

عوامل گوناگونی را در تحرک و تداوم فرآیند دموکراتیک شدن منطقه خاورمیانه مؤثر دانسته‌اند که در یک تقسیم‌بندی می‌توان از عوامل اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و خارجی یاد کرد. عوامل اقتصادی همچون توسعه اقتصادی یا رکود و بی‌ثباتی اقتصادی، بیکاری، فقر و امثال آنان، عوامل اجتماعی مثل برابری یا نابرابری اجتماعی، هویت‌های متعارض، انسجام یا چنددستگی‌های اجتماعی و وجود اقلیت‌های قومی و مذهبی، نخبگان وابسته، نبود احساس توانایی در تغییر سرنوشت، خو گرفتن به فرهنگ سلطه، ضعف و یا قوت جامعه و تشکل‌های مدنی، میزان گرایش دولت و ملت به سکولاریسم، دین و نگرش‌های دینی و نظایر آن‌ها، عوامل سیاسی همچون فرهنگ سیاسی، ارتش قدرتمند و مداخله‌گر، دولت‌های ثروتمند و رانتیر، مشکلات زیست محیطی، کمبود منابع آب و انرژی، غنی یا فقیر بودن از لحاظ منابع طبیعی، موقعیت جغرافیایی و سایر همسان‌هایشان، بالاخره عوامل خارجی مانند دخالت خارجی و فقدان توان نهادها و روندهای بین‌المللی در حمایت از دموکراسی و دیگر قرین‌های اینها.

آینده‌پژوهی و روندهای آینده خاورمیانه

سرعت در تحولات و تغییرات ویژگی عصر کنونی است (آدیسون، آیکاف و مگیدسون، ۱۳۸۱: ۸۰). در جهان معاصر، تغییرات چنان غافل‌گیرکننده و برق‌آسا از راه می‌رسند که حتی

لحظه‌ای درنگ می‌تواند به بهای گزاف غافل‌گیری راهبردی در عرصه‌های گوناگون فردا تمام گردد و این خطر وجود دارد که اگر رویکردهای خود را متناسب با تهدیدها و فرصت‌های ناشی از این تحولات طراحی نکنیم، در آینده با مشکلاتی به مراتب بیشتر و بزرگ‌تر از مشکلات امروز مبتلا شویم (باباغیبی ازغندی، ۱۳۸۹: ۷۸). در این میان، آینده‌پژوهی می‌آموزد که چگونه می‌توان در برابر هجوم تغییرات شتابان غافل‌گیر نشد و در مصاف با آینده مبهم بیشترین منفعت و کمترین ضرر را به دست آورد. اگر بخواهیم آینده‌پژوهی را در یک جمله خلاصه کنیم، شاید بهترین تعریف آن باشد که آینده‌پژوهی، فرآیند مطالعه و بررسی و ارزیابی آینده‌های ممکن^۱ (آنچه ممکن است که باشد)، محتمل^۲ (آنچه احتمال آن داده می‌شود) و مطلوب و مرجح^۳ (آنچه باید باشد) است که در عصر اطلاعات به لحاظ بسیط‌تر شدن مفهوم زمان نسبت به دوره‌های قبل آن ضرورت زیادی پیدا کرده است (Glenn, 2003: 5).

نکته اینکه، نباید از آینده‌پژوهی انتظار پیش‌بینی دقیق آینده را داشت؛ زیرا توانایی این دانش، فقط در حد تشخیص چندین آینده محتمل با تکیه بر متغیرهای کمی و کیفی و تا حدی شفاف‌سازی راه‌های ممکن است که به آینده رهنمون می‌شوند. البته پس از این شناسایی، انتخاب آینده مطلوب و اعمال نفوذ برای تحقق آن، نقشی سرنوشت‌ساز برای جامعه خواهد داشت (تقوی گیلانی و غفرانی، ۱۳۷۹: ۶۶).

با این توصیفات، اگر آینده‌پژوهی برای همه جوامع و دولت‌ها و کشورها لازم است، آینده‌پژوهی برای خاورمیانه حیاتی‌تر می‌شود. در واقع، پیچیدگی منطقه و تحولات مستمر آن، تعدد بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و تعدد مباحث هویتی و ده‌ها دلیل دیگر موجب شده است که آینده‌پژوهی برای خاورمیانه به یک ضرورت تبدیل شود. از این روی، در این مقاله با انتخاب روش دلفی، به عنوان یکی از معتبرترین روش‌های آینده‌پژوهی، تلاش شده تا گامی هرچند ناچیز برداشته شود.

دلفی که یکی از موارد طوفان فکری است، به دنبال اجماع متخصصان بر روی مسئله‌ای مشخص (Ludwing&Starr, 2005: 315) از طریق طراحی و توزیع یک سری از پرسش‌نامه‌ها طی چند دور متوالی، همراه با ارائه بازخوردهای کنترل‌شده حاصل از دور قبل است (Beretta, 1996: 79). در این روش، تا زمانی که اجماع گروهی حاصل شود، پرسش‌نامه‌ها تکرار می‌شود

1. Possible futures
2. Probable futures
3. Preferable futures

بلندمدت (۲۰ تا ۳۰ ساله)، جایی که تنها منبع اطلاعاتی، نقطه‌نظرات متخصصان است مفید است (پدرام، ۱۳۸۸: ۱۲۷).

روش کار در مقاله حاضر نیز بر اساس فرآیندهای استاندارد دلفی انجام گرفته است. در این دلفی، از میان روش‌های مختلف نمونه‌گیری، از شیوه نمونه‌گیری مبتنی بر هدف مدنظر یا نمونه‌گیری هدفمند، استفاده شده است. البته در تکمیل این شیوه از دو روش نمونه‌گیری گلوله برفی و همچنین نمونه‌گیری ملاک‌محور نیز استفاده شده است. جامعه آماری در نظر گرفته شده نیز عبارت است از ۴۰ نفر از کارشناسان و متخصصین خبره و همچنین اساتید و پژوهشگران مطرح در حوزه مطالعات خاورمیانه که با تحولات اخیر خاورمیانه، جریان‌های مختلف تأثیرگذار بر روندهای منطقه و خصوصاً مباحثی چون دموکراسی، اسلام‌گرایی، سلفی‌گری و روند قدرت‌یابی این جریانات و همچنین تأثیراتی که حاکم شدن هر یک از این گفتمان‌ها بر روی منافع جمهوری اسلامی ایران دارد، آشنایی کامل داشته باشند و در این راستا تلاش شد که جامعه مدنظر، افرادی صاحب‌نظر و مقبول در حوزه مطالعات یاد شده باشند.

جدول ۱: توصیف پاسخ‌دهندگان

عنوان	ویژگی پاسخ‌دهندگان	فراوانی	درصد فراوانی
تحصیلات	لیسانس	۴	۱۰,۰
	فوق لیسانس	۱۳	۳۲/۵,۰
	دکتری	۲۳	۵۷/۵,۰
شغل	اجرائی	۱۱	۲۷/۵,۰
	استاد دانشگاه	۱۶	۴۰,۰
	محقق	۱۳	۳۲/۵,۰
سن	۲۰ - ۳۰	۱	۲/۵,۰
	۳۰ - ۴۰	۱۵	۳۷/۵,۰
	۴۰ - ۵۰	۱۳	۳۲/۵,۰
	۵۰ - ۶۰	۱۱	۲۷/۵,۰
جنسیت	زن	۱	۲/۵,۰
	مرد	۳۹	۹۷/۵,۰

با توجه به اینکه یکی از ویژگی‌های دلفی رعایت اصل گمنامی پاسخ‌دهندگان است، اصلی‌ترین

مؤسسات و نهادهایی که از خبرگان آنها در این پرسش‌نامه‌ها بهره برده شده است می‌توان از وزارت امور خارجه، دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی، صداوسیما، مجلس شورای اسلامی، خبرگزاری جمهوری اسلامی ایران، وزارت دفاع و پشتیبانی نیروهای مسلح، سپاه پاسداران، وزارت اطلاعات، دانشگاه تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی دفاعی، پژوهشکده مطالعات خاورمیانه، انجمن بین‌المللی دیده‌بان عدالت، برخی مؤسسات پژوهشی در حوزه جریان‌های اسلامگرا و نظایر آنان را نام برد. با نگاهی به این عناوین مشخص می‌شود که تقریباً از تمامی نهادها، مؤسسات و شخصیت‌هایی استفاده شده است که در زمینه موضوع مقاله اطلاعات و تخصص دارند و به نوعی در ساختن آینده موثر هستند. برخی از این افراد در نظریه‌پردازی و اثرگذاری فکری، برخی در تصمیم‌سازی و تعدادی هم در صحنه میدانی مسئله موردنظر ایفای نقش می‌کنند؛ بنابراین این خبرگان نماینده ذهن‌هایی هستند که یا در رابطه با تحولات آینده تخصص دارند یا در ساخت آینده بیشترین تأثیرگذاری را دارند، خصوصاً با توجه به منافع ملی جمهوری اسلامی ایران. همچنین در این مقاله، از دو شیوه پرسش‌نامه و مصاحبه استفاده می‌شود. سؤالات پرسش‌نامه نیز به شیوه لیکرت طرح شده است. همچنین برای دستیابی به پاسخ‌های با دقت بیشتر، سه پرسش تشریحی در پایان پرسش‌نامه مطرح شده است تا با آشنایی عمیق‌تر با ایده‌های مخاطبین به تحلیل دقیق‌تری از روندها دست پیدا کرد که کمکی است به انجام یک سناریوسازی عملی و دقیق.

فرآیند کار هم بدین گونه بود که در دو مرحله توزیع پرسش‌نامه‌ها، در مرحله اول، بعد از جمع‌آوری پرسش‌نامه‌ها، تنظیم اطلاعات آنها در قالب فایل اکسل، تهیه نمودارها و مشخص شدن نما و فراوانی داده‌های هر گویه و درصد پاسخ به هرگزینه، به یک جمع‌بندی اولیه از آرا و نظرات نخبگان دست یافتیم. در این مرحله مشخص شد که از ۲۳ گویه پرسش‌نامه، ۱۵ نمونه از اجماع نسبی برخوردار است و ۸ نمونه فاقد اجماع نسبی بوده و نظرات متفاوت به دست آمد.

در مرحله بعد، پرسش‌نامه‌ها مجدداً آماده شد. اما این بار در قالب آمار و نمودار، برآیند نظرات دیگر پرسش‌شونده‌ها به هر گویه، در مقابل هر پرسش اضافه شد و از پاسخ‌دهندگان خواسته شد تا با توجه به این داده‌های جدید، مجدداً به پرسش‌ها پاسخ دهند و اگر همچنان بر نظر خود اصرار دارند، دلایل مخالفت خود را بیان دارند. در این مرحله قصد این است که آیا پاسخ‌گویان با توجه به پاسخ دیگر خبرگان، در نظر خود تجدیدنظر کرده و به سمت اجماع نسبی حرکت می‌کنند یا نه. دستاورد این مرحله آن بود که از ۸ سؤال پرسش‌نامه که روی آن‌ها اجماع وجود نداشت، تنها سؤال ۲۰ با اجماع نسبی همراه شد و همچنان در ارتباط با ۷ گویه دیگر، اجماع

نسبی وجود نداشت. در گویه شماره ۱۳ نیز درصد اجماع از دور اول کمتر شد که به نظر می‌رسد تحولات روی داده در منطقه موجب این تغییر شده است. برخی مباحث که پاسخ‌گویان در مراجعه حضوری مطرح می‌کردند، مؤید این موضوع بود. البته همان‌گونه که اشاره شد در رابطه با ۱۶ سؤال از پرسش‌نامه اجماع نسبی وجود دارد.

جدول ۲: گویه‌های پرسشنامه دلفی

<p>۲. چقدر با این جمله جان اسپوزیتو موافقت می‌کنید که، اکثریت مسلمانان خواهان نوعی از دموکراسی هستند که با ارزش‌های دینی آنها سازگار باشد؟</p>	<p>۱. کشورهای خاورمیانه در شرایط مشابهی نیستند، و این مسأله موجب می‌شود که روند توسعه دموکراسی در این کشورها در آینده متفاوت باشد؟ تا چه حد موافق این جمله هستید؟</p>
<p>۴. تا چه حد بر این باورید که، با وجود مشکلات ساختاری و بنیادین در کشورهای خاورمیانه، تحولات اخیر، حاکی از آن است که کشورهای این منطقه، در حال حرکت به سمت نوعی از دموکراسی حداقلی هستند؟</p>	<p>۳. آیا از نظر شما، در آینده خاورمیانه، اسلام‌گرایی از مشروعیت بالاتری نسبت به سکولاریسم، برخوردار خواهد بود؟</p>
<p>۶. آیا از نگاه شما، دموکراتیک شدن خاورمیانه موجب افزایش تعامل میان کشورهای عربی با ایران و در جهت منافع جمهوری اسلامی می‌باشد؟</p>	<p>۵. تا چه حد با این امر موافقت می‌کنید؟ با توجه به این اصل که دموکراتیک شدن موجب تغییر رویکرد سیاست خارجی کشورها از تخصیص به مسأله جویانه می‌شود، لذا در صورتی که کشورهای خاورمیانه در آینده دموکراتیک‌تر شوند، ثبات و امنیت در منطقه خاورمیانه افزایش خواهد یافت.</p>
<p>۸. تا چه اندازه با آن گروه از کارشناسان بین‌المللی موافقت می‌کنید که معتقدند: روند دموکراسی در دولت‌های رانتیر و نفتی، کند و تدریجی خواهد بود؟</p>	<p>۷. آیا با این جمله موافقت می‌کنید که، در کشورهای خاورمیانه، زیرساخت‌های نامناسب فرهنگی، اجتماعی، بیش از عوامل دیگر، مانعی در مسیر توسعه دموکراسی در آینده منطقه خواهد بود؟</p>
<p>۱۰. تا چه اندازه با این گزاره موافقت می‌کنید؟ رشد سلفی‌گری و قدرت‌یابی گروه‌های تکفیری موجب کاهش نفوذ و ایجاد تهدیدات امنیتی و هویتی برای منافع ایران در منطقه می‌شود. لذا جمهوری اسلامی می‌بایست در جهت جلوگیری از به دست گرفتن قدرت توسط گروه‌های افراطی اقدام کند.</p>	<p>۹. آیا به نظر شما، ظهور طبقه متوسط اجتماعی در آینده خاورمیانه، به توسعه دموکراسی در این منطقه کمک می‌کند؟</p>
<p>۱۲. تا چه حد موافق این گزینه هستید؟ در انتخاب</p>	<p>۱۱. نظر شما درباره این جمله که، اقدامات غیر</p>

<p>میان حاکمیت اسلام میانه رو و اسلام رادیکال در آینده خاورمیانه، اسلام میانه رو منافع بیشتر و تهدیدات کمتری برای جمهوری اسلامی ایران، نسبت به اسلام تندرو خواهد داشت.</p>	<p>دموکراتیک و ضدحقوق بشری گروه‌های سلفی و تکفیری که در تضاد با اندیشه لیبرال دموکراسی و همچنین اسلام انقلابی مد نظر ایران است، سبب برقراری نوعی دیالوگ میان ایالات متحده و جمهوری اسلامی ایران، در جهت مقابله با تهدید مشترکی به نام قدرت بابی گروه‌های سلفی خواهد شد، چیست؟</p>
<p>۱۴. تا چه حد با این جمله موافقت می‌کنید؟ ایالات متحده سیاست دموکراسی‌سازی در خاورمیانه را در رابطه، با کشورهای دوست با ملایمت و به صورت تدریجی و در مورد کشورهای مخالف با شدت و فشار بیشتری دنبال خواهد کرد.</p>	<p>۱۳. تا چه اندازه با این گزاره موافقت می‌کنید؟ سلفی‌گری همچنان در آینده خاورمیانه به فعالیت خود ادامه می‌دهد، اما به دلیل عدم تطابق با حقوق و ارزش‌های مشترک بشری در عصر نوین به تدریج از نقش و تاثیرگذاری آن کاسته خواهد شد.</p>
<p>۱۶. چقدر موافق این جمله‌اید؟ صحنه آینده خاورمیانه شاهد، رقابت میان ایالات متحده و جمهوری اسلامی بر سر ترویج اسلام التقاطی و اسلام انقلابی خواهد بود.</p>	<p>۱۵. آیا با این گزاره موافقت می‌کنید؟ ایالات متحده آمریکا، در جهت اشاعه دموکراسی‌سازی در آینده خاورمیانه، از میان دو گزینه بهره‌گیری از قدرت سخت و یا نرم، اقدامات نرم را در اولویت سیاست خارجی خود قرار خواهد داد.</p>
<p>۱۸. آیا با این جمله موافقت می‌کنید؟ تلاش‌های غرب برای دموکراسی‌سازی در منطقه خاورمیانه، به تشدید تمایلات تجزیه‌طلبانه قومی خواهد انجامید که تهدیدی برای منافع جمهوری اسلامی ایران می‌باشد.</p>	<p>۱۷. نظر شما در رابطه با اینکه، در ایران توسعه یافته‌تر آینده، نخبگان، جوانان و قشر متوسط جامعه، گرایش کمتری به سیاست‌های انقلابی دارند. چیست؟</p>
<p>۲۰. تا چه اندازه با این جمله موافقت می‌کنید؟ در آینده، هیچ کدام از کشورهای خاورمیانه، قدرت هژمون در منطقه نخواهد بود.</p>	<p>۱۹. چقدر موافق این گزاره‌اید؟ بروز برخی مشکلات زیست‌محیطی در آینده خاورمیانه، موجب فشار اقتصادی بر کشورهای منطقه و مانعی بر سر راه توسعه زیرساخت‌های دموکراسی در کشورهای فقیر خاورمیانه خواهد بود.</p>
<p>۲۲. تا چه حد موافق این جمله هستید؟ تحقق سناریوی اسلام سیاسی - انقلابی در آینده منطقه خاورمیانه، مطلوب‌ترین گزینه برای منافع ملی جمهوری اسلامی می‌باشد.</p>	<p>۲۱. تا چه اندازه با این گزاره موافقت می‌کنید؟ در آینده، تضادهای هویتی میان کشورهای منطقه خاورمیانه، از عوامل چالش‌زا و کلیدی در برقراری ثبات و امنیت منطقه خواهد بود.</p>

توصیف و تحلیل پاسخ‌های داده شده به گویه‌های پرسشنامه

نتایج حاصل از فرآیند دلفی، بر این نکته تأکید داشت که از ۲۳ گویه پرسش‌نامه دلفی حاضر، ۱۶ گویه منجر به اجماع نسبی پاسخ‌دهندگان و خبرگان شد که شامل گویه‌های ۲، ۱، ۳، ۶، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۴، ۱۲، ۱۵، ۱۸، ۱۹، ۲۰، ۲۱، ۲۳ می‌شوند؛ اما در ادامه با توجه به تحلیل پاسخ‌های دو دور توزیع پرسش‌نامه‌های دلفی، ارزیابی جواب‌های داده شده به سؤالات تشریحی، مصاحبه‌های حین تحویل پرسش‌نامه‌ها و همچنین مطالعات منابع مهم در این حوزه، به اجمال، تحلیل مختصری از پاسخ‌های داده شده به هر کدام از گویه‌ها ارائه می‌شود:

گویه ۱: کشورهای خاورمیانه، تفاوت‌های گسترده‌ای در زمینه‌های مختلف دارند. پیشینه تاریخی و ارزش‌های اجتماعی مختلف، میزان حضور متفاوت ملت‌های خاورمیانه در عرصه‌های تصمیم‌گیری، تعدد هویت‌ها، زبان، فرهنگ، قومیت، نژاد و امثال آن‌ها همگی نشانگر عمق این تفاوت‌هاست؛ بنابراین کشورهای این منطقه در آینده نیز وضعیت‌ها و روندهای متفاوتی را در زمینه حرکت به سوی دموکراسی طی خواهند کرد.

گویه ۲: بسیاری از اندیشمندان مطرح در حوزه دموکراسی و خاورمیانه بر این باورند که برای مسلمانان اگرچه شریعت در اولویت مطالبه است؛ اما خواهان دموکراسی نیز هستند. آنها از یک سو بر این مسئله تأکید دارند که دین و مضامین آن در همه ابعاد زندگی آنها و حکومت‌هایشان می‌بایست جاری و حاکم باشد؛ از سوی دیگر، انسداد کنونی و تمامیت‌خواهی حکومت‌ها می‌بایست پایان یابد و زمینه حضور بیشتر مردم در عرصه حکومت فراهم شود. از سویی بر اساس اصول دموکراسی هم منطقی آن است که کشورهای خاورمیانه، با اکثریت جمعیت مسلمان، مطابق مطالبه عمومی ملت‌هایشان از نوعی دموکراسی استفاده کنند که در کنار آن قانون شریعت نیز مدنظر باشد.

گویه ۳: در رابطه با ترویج عرفی‌گرایی یا سکولاریسم در منطقه، اگرچه سکولارها از قدرت و نفوذ در منطقه برخوردار بوده‌اند؛ اما عمده این جایگاه در میان حاکمان و گروهی از نخبگان خاورمیانه بوده است و جوامع منطقه همچنان اسلامیت را بر سکولاریسم ترجیح می‌دهند. نتایج برخی از انتخابات برگزار شده در منطقه هم مؤید این مطلب است. اگرچه برخی اقدامات گروه‌های تندروی اسلامی و همچنین تلاش‌های آموزشی و فرهنگی غرب برای کنترل گسترش نفوذ این گروه‌ها بی‌تأثیر نبوده است؛ اما پیش‌بینی می‌شود که در آینده نیز همچنان مطالبه اسلام‌گرایی نسبت به سکولاریسم بیشتر خواهد بود.

گویه ۴: در رابطه با این گویه که در رابطه با آن اجماع صورت نپذیرفت، با وجود اینکه

۳۵ درصد از متخصصان بر این باورند که با وجود مشکلات ساختاری و بنیادین در کشورهای خاورمیانه، تحولات اخیر، حاکی از آن است که کشورهای این منطقه در حال حرکت به سمت نوعی از دموکراسی حداقلی هستند و تنها ۱۵ درصد معتقد بر حرکت نکردن خاورمیانه به این سمت هستند؛ اما نرخ ۵۰ درصدی پاسخ به گزینه متوسط، نشانگر ابهام و پیچیدگی در رابطه با شرایط آینده دموکراسی در منطقه است. بنابراین اگرچه برخی از جلوه‌های پیشرفت به سوی دموکراسی در منطقه هویدا است؛ اما حداقل تا ۲۰۲۵ نمی‌توان آینده دموکراتیکی را برای خاورمیانه متصور بود.

گویه ۵: این سؤال هم از جمله گویه‌هایی بود که در رابطه با آن اجماع صورت نگرفت. در واقع، پاسخ‌دهندگان به این سؤال نیز به نوعی بر این نکته تأکید داشته‌اند که نمی‌توان شرایط و وضعیت منطقه خاورمیانه را با دیگر مناطق یکسان پنداشت و در صورتی دموکراتیک شدن خاورمیانه به ایجاد ثبات و امنیت در منطقه کمک می‌کند که اولاً زیرساخت‌های لازم برای تحقق و تداوم دموکراسی واقعی فراهم شده باشد و ثانیاً از بطن روند دموکراتیک، گروه‌های تندرو افراطی و مخالف دموکراسی بیرون نیاید.

گویه ۶: یکی از مشکلات اساسی منطقه خاورمیانه این است که عمده حاکمان این منطقه برخاسته از مطالبه ملت‌های آنها نبوده و لذا، در جهت منافع واقعی ملت‌ها گام بر نمی‌دارند. فرآیند دموکراتیک موجب می‌شود که افرادی سکان حکومت‌ها را به دست بگیرند که بیش از پیش به منافع عمومی ملت‌ها توجه کنند. نکته دیگر اینکه دموکراسی موجب می‌شود تا وابستگی‌های خارجی کمتر شده و بر توانمندی‌های داخلی بیشتر تکیه شود. همچنین در فضای دموکراتیک امکان گفت‌وگو و بحث در رابطه با عوامل و موانع ارتباط میان دولت‌ها بیشتر شده و لذا روابط به سوی تعامل و همکاری‌های چندجانبه پیش می‌رود تا نزاع و تشدید مخاصمه؛ بنابراین اجماع پاسخ‌دهندگان بر این باور بوده‌اند که دموکراتیک شدن خاورمیانه موجب افزایش تعامل میان کشورهای عربی با ایران و کاهش عوامل منازعه‌آمیز و در جهت منافع جمهوری اسلامی است.

گویه ۷: بی‌تردید تحقق نظام دموکراتیک به وجود شهروندان دموکراتیک و فرهنگ مشارکت عمومی وابسته است. هرچه نیروها و نهادهای اجتماعی برای ایجاد نقش‌آفرینی مهیاتر باشند، روند گذار به دموکراسی با سرعت بیشتری عملی می‌شود. مهارت در همکاری مدنی، حس هم‌گرایی و فعالیت جمعی، تربیت سیاسی شهروندان، احساس صلاحیت تأثیرگذاری بر مسائل پیرامون و کنار

گذاشتن برخی ضعف‌های فرهنگی از جمله قومیت و عشیره‌گرایی، تعصب و خردگریزی و سایر قرین‌های این‌ها از شاخص‌های فرهنگ دموکراتیک هستند که در فرآیند دموکراتیک شدن بسیار مؤثرند. با این توصیفات است که پاسخ‌دهندگان به گویه‌های پرسش‌نامه به این نتیجه رسیده‌اند که در کشورهای خاورمیانه، زیرساخت‌های نامناسب فرهنگی و اجتماعی بیش از عوامل دیگر، مانعی در مسیر توسعه دموکراسی در آینده منطقه خواهد بود.

گویه ۸: در خاورمیانه و به‌خصوص حکومت‌های سلطنتی حوزه خلیج فارس، نفت به منبع اصلی رانت برای کشورهای این منطقه مبدل شده است؛ به‌گونه‌ای که این عایدات نفتی در سه سطح بر روی این کشورها اثر گذاشته‌اند. در سطح ملی نوعی مناسبات حکمرانی میان ملت و حکومت به وجود آمده است که بر اساس آن مردم از برخی از حقوق و امتیازات خود می‌گذرند و در مقابل، دولت‌ها هم برخی احتیاجات و خدمات ضروری آنها را برآورده می‌سازند. برقراری نوعی موازنه قوا بر سر منافع منطقه‌ای نیز در سطح منطقه‌ای روی داده و در سطح سوم یا بین‌المللی نیز رفتار قدرت‌های خارجی در برابر قدرت‌های نفتی خاورمیانه نیز به شکل دیگری رقم می‌خورد؛ بنابراین نبود فشار اجتماعی برای تغییر وضعیت موجود در این کشورها موجب شده است تا در آینده خاورمیانه، روند دموکراسی در دولت‌های رانتیر و نفتی، کند و تدریجی باشد.

گویه ۹: پیدایش و نقش‌آفرینی طبقه متوسط، یکی از عوامل مهم و حیاتی در توسعه و گذار به دموکراسی است. در واقع، گسترش این طبقه به نهادینه شدن فرهنگ دموکراتیک در جامعه کمک می‌کند؛ از این‌روی برخی پیشرفت‌های اقتصادی و نوسازی اجتماعی و رشد سطح آموزش در جوامع خاورمیانه موجب رشد فزاینده طبقه متوسط شده است که به ایجاد تحول در عرصه اجتماعی و سیاسی این جوامع می‌انجامد؛ بنابراین هرگونه پیشرفت در طبقه متوسط در آینده خاورمیانه به توسعه دموکراسی در این منطقه کمک می‌کند.

گویه ۱۰: سلفی‌گری و قدرت‌یابی گروه‌های تکفیری موجب مسائل و چالش‌های متنوعی می‌شود؛ از جمله معضلاتی همچون: تشدید تعارضات هویتی شیعه و سنی، محور مقاومت و محور سازشکار، مشکلاتی از جمله تهدید امنیت مرزها، افزایش هزینه‌های اقتصادی حمایت از دوستان منطقه‌ای ایران، اختصاص سرمایه‌های ملی به مسائل بیرون از مرزها به جای توسعه داخلی، زمینه ورود قدرت‌های فرامنطقه‌ای به مداخلات منطقه‌ای و نظایر آنان؛ در نهایت، تحقق این سناریو به کاهش نفوذ و ایجاد تهدیدات امنیتی و هویتی برای منافع ایران در منطقه منجر می‌شود؛ لذا، جمهوری اسلامی می‌بایست در جهت جلوگیری از به دست گرفتن قدرت توسط گروه‌های

افراطی اقدام کند.

گویه ۱۱: در رابطه با این گویه نیز اجماع محقق نشد. در تحلیل این ناهم‌گرایی بایستی به این نکته اشاره کرد که اگرچه پاسخ‌دهندگان بر این باور بودند که اقدامات غیردموکراتیک و ضدحقوق بشری گروه‌های سلفی و تکفیری در تضاد با اندیشه لیبرال-دموکراسی و همچنین اسلام انقلابی مدنظر ایران است؛ اما این مسئله را موجب برقراری نوعی دیالوگ میان ایالات متحده و جمهوری اسلامی ایران در جهت مقابله با تهدید مشترکی به نام قدرت‌یابی گروه‌های سلفی نمی‌دانند. در واقع، با وجود باور مشترک در این زمینه، اختلافات دیرینه میان جمهوری اسلامی و ایالات متحده، برخی اتحادها و منافع مشترک میان ایالات متحده و حامیان جریان‌های سلفی منطقه موجب شده است که نوعی رفتار عملی برخلاف باورهای لیبرال-دموکراسی و ترویج دموکراسی در خاورمیانه مشاهده شود که زمینه اجماع و همکاری را تضعیف می‌کند.

گویه ۱۲: با توجه به عمق تأثیرگذاری جریان میانه‌روی اسلامی در منطقه، ازجمله اخوان‌المسلمین، برقراری روابط با این جریان می‌تواند زمینه نفوذ جمهوری اسلامی ایران را در برخی عرصه‌ها فراهم کند که هم‌اکنون دور از دسترس جمهوری اسلامی ایران هستند. پیشینه روابط خصوصاً در حوزه نخبگان، تفکر عقلانی و مدرن و محوریت اسلام در هر دو جریان و همچنین الگوی مردم‌سالاری دینی موردنظر ایران به تعمیق روابط این دو روند کمک خواهد کرد. در این مسیر، زمینه تضادهای هویتی میان شیعه و سنی کاهش یافته و مانند برخی دوره‌های تاریخی نوعی گفت‌وگو وحدت‌بخش ترویج می‌شود؛ بنابراین در انتخاب میان حاکمیت اسلام میانه‌رو و اسلام رادیکال در آینده خاورمیانه، اسلام میانه‌رو منافع بیشتر و تهدیدات کمتری برای جمهوری اسلامی ایران نسبت به اسلام تندرو خواهد داشت.

گویه ۱۳: بحران هویت، بحران مشروعیت، فساد و سرکوب از جانب حکومت، تضاد طبقاتی، ضعف نظامی و بحران ناشی از نوسازی، معضلات و درگیری‌های مختلف حاکم بر کشورهای خاورمیانه هستند. اندک بودن مسیرهای قانونی برای رفع این معضلات و برآورده شدن مطالبات جنبش‌های اسلامی و نهایتاً نبود دموکراسی در این کشورها، خشونت را به مسیری توجیه‌پذیر برای گروه‌های سلفی مبدل کرده است؛ بنابراین تا زمانی که خاورمیانه شاهد کاهش شدت این گرفتاری‌ها و پیچیدگی‌ها نباشد، سلفی‌گری همچنان به فعالیت خود ادامه می‌دهد؛ اما به دلیل عدم تطابق با حقوق و ارزش‌های مشترک بشری در عصر نوین به تدریج از نقش و تأثیرگذاری آن کاسته خواهد شد. افزایش آگاهی‌های اجتماعی، رشد طبقه متوسط، حساسیت نهادهای بین‌المللی

و... نیز در این مسیر موثرند.

گویه ۱۴: در حالی که غرب، حکومت‌های اسلامی را به دلیل اقدامات غیردموکراتیک سرزنش می‌کند؛ اما همزمان از حکومت‌های غیردموکراتیکی حمایت می‌کند که مانع توسعه جنبش‌های اسلامی مردمی می‌شوند. این حمایت از دولت‌های غیردموکراتیک منطقه، نشانگر آن است که این رفتارهای گزینشی و منفعت‌طلبانه کماکان ادامه دارد و روابط نزدیک اقتصادی و سیاسی میان دولت‌های عربی و ایالات متحده به‌خوبی بیانگر این حمایت‌هاست؛ بنابراین پیش‌بینی می‌شود ایالات متحده به مانند سیاستی که در زمان جنگ سرد پیش گرفت، از دولت‌های غیردموکرات و وابسته به خود حمایت کند و همچنان سیاست دموکراسی‌سازی در خاورمیانه را در رابطه با کشورهای دوست با ملایمت و به‌صورت تدریجی و در مورد کشورهای مخالف با شدت و فشار بیشتری دنبال خواهد کرد.

گویه ۱۵: هزینه‌های سنگین مادی و معنوی استفاده از ابزار سخت و نظامی برای ترویج دموکراسی و اهداف موردنظر غرب و همچنین مقاومت و تنفر ملت‌های منطقه از این گونه مداخله‌ها موجب شده تا غرب در این موضع خود تجدیدنظر کرده و از روش‌های جایگزین استفاده کند. برخی از این روش‌ها عبارت‌اند از: تلاش برای گسترش دموکراسی از طریق افزایش فشار برای هماهنگ‌سازی کشورها و بسیج افکار عمومی جهانی بر ضد کشورهای خاطی، اعمال جرمه‌ها و تحریم‌های مختلف توسط دولت‌ها و سازمان‌های بین‌المللی، قطع یا کاهش روابط دیپلماتیک با دولت‌های غیردموکرات، پشتیبانی از نیروهای دموکرات داخلی، ترغیب کشورها به برگزاری انتخابات آزاد، اجرای برنامه‌هایی در جهت تقویت زنان، اصلاحات قضایی و قانونی، ایجاد رسانه‌های مستقل، شفاف‌سازی و مبارزه با فساد و حمایت از جامعه مدنی، توسعه آموزش، گسترش اینترنت، بسط فرصت‌های اقتصادی و پیوستن کشورهای منطقه به تجارت جهانی. با توجه به تأثیرگذاری بیشتر و هزینه کمتر این گونه اقدامات پیش‌بینی می‌شود ایالات متحده در جهت اشاعه دموکراسی در آینده خاورمیانه، همچنان اقدامات نرم را در اولویت سیاست خارجی خود قرار دهد.

گویه ۱۶: این سؤال هم از جمله مواردی بود که حول آن اجماع حاصل نشد و پاسخ‌دهندگان در رابطه با این گزاره که صحنه آینده خاورمیانه شاهد رقابت میان ایالات متحده و جمهوری اسلامی بر سر ترویج اسلام التقاطی و اسلام انقلابی خواهد بود، هم‌گرا نبودند. برخی از پاسخ‌دهندگان اصولاً صحنه آینده خاورمیانه را عرصه رقابت میان این دو روند نمی‌دانند. برخی

هم اصولاً بر این باورند که ایالات متحده از هیچ نوع اسلام‌گرایی در منطقه حمایت نخواهد کرد. گویه ۱۷: این گویه هم از جمله سؤالاتی بود که اجماعی حول آن شکل نگرفت. با وجود اینکه ۵۵ درصد از پاسخ‌دهندگان، در برابر این گزینه موافقت داشتند که در ایران توسعه یافته‌تر آینده، نخبگان، جوانان و قشر متوسط جامعه گرایش کمتری به سیاست‌های انقلابی دارند؛ اما در مجموع این گویه به آستانه اجماع نرسید. در واقع، اکثر متخصصان بر این باورند که در آینده، ایران شاهد تغییراتی در عرصه فرهنگ و رفتارها، خصوصاً در میان جوانان خواهد بود که به نوعی بر رفتارهای داخلی و خارجی جمهوری اسلامی تأثیر می‌گذارد؛ اما در مورد کیفیت این تغییرات، اتفاق نظر وجود ندارد.

گویه ۱۸: پیشینه اقدامات غرب در ترسیم نقشه‌های کشورهای منطقه و تقسیم مرزها، که منجر به تقسیم برخی گروه‌های قومی در بین کشورها و تشدید اختلافات قومیتی شده است، یادآور نقش نامناسب غرب در تشدید تجزیه‌طلبی در خاورمیانه است. کردها بین ایران، ترکیه، عراق و سوریه تقسیم شدند. پشتون‌ها بین پاکستان و افغانستان تقسیم شد و ... که منجر به این شد که هر گروه و دسته و قبیله‌ای هویت متمایزی برای خود برگزید. این مسئله به تقسیم مراکز قدرت و به تبع مشروعیت در درون این کشورها انجامید. تلاش‌های غرب برای دموکراسی‌سازی در منطقه خاورمیانه، برخی طرح‌های ایالات متحده از جمله خاورمیانه بزرگ و خاورمیانه جدید هم تداومی کننده همان روش‌های قدیمی است که به تشدید تمایلات تجزیه‌طلبانه قومی خواهد انجامید و تهدیدی برای منافع جمهوری اسلامی ایران محسوب می‌شود؛ بویژه! آنکه ایران خود از قومیت‌های متنوعی برخوردار است و از سویی کشورهای همسایه هم در معرض این تهدیدات هستند.

گویه ۱۹: برخی از مشکلات زیست‌محیطی، از جمله بحران آب در منطقه، بر پیچیدگی مناقشات در خاورمیانه افزوده است. گاهی این معضلات به موضوعی فراتر از جنبه اقتصادی و امنیتی مبدل شده و شکلی هویتی به خود گرفته‌اند؛ اما در بهترین حالت، این مشکلات موجب فشار اقتصادی بر کشورهای منطقه و مانعی بر سر راه توسعه زیرساخت‌های دموکراسی در کشورهای فقیر خاورمیانه خواهد بود. کشورهایی که در برآورده کردن احتیاجات اولیه ملت‌های خود عاجز هستند، وقتی که با مشکلات زیست‌محیطی روبرو گردند عمق این ناتوانی بیشتر خواهد شد؛ آنگاه سخن گفتن از دموکراسی چندان مورد توجه نخواهد بود.

گویه ۲۰: پاسخ‌دهندگان به این گویه در این نظر اجماع دارند که هیچ قدرت منطقه‌ای قادر به

تسلط و یا بدل شدن به قدرت هژمون در آینده خاورمیانه نخواهد بود. این موضوع به نوعی نشانگر ادامه وضعیت کنونی و نقش آفرینی قدرت‌های منطقه‌ای مطرح کنونی در آینده خاورمیانه است؛ بنابراین موازنه قدرتی که هم‌اکنون در منطقه حاکم است در ادامه نیز برقرار خواهد بود. این مسئله اگرچه گویای آن است که ایران همچنان یکی از قدرت‌های منطقه‌ای خواهد بود، اما از سویی تداوم تهدیدات گذشته را نشان می‌دهد.

گویه ۲۱. از موضوعات کلیدی در این مقاله همین گویه است که مورد اجماع پاسخ‌دهندگان به پرسش‌نامه هم قرار گرفته است. در واقع، تعارض‌های هویتی درون کشورهای منطقه از یک سو و در میان آنها از سوی دیگر وضعیت منطقه را با دشواری جدی مواجه ساخته است. اختلافات میان شیعه و سنی و برخی فرقه‌های دیگر، درگیری‌های داخلی در سوریه، بحرین، عراق، لبنان، یمن، مسئله سوریه و فلسطین و آوارگان آن‌ها، ایده‌هایی چون ناسیونالیسم عربی و نوع‌ثانی‌گری، ظهور القاعده و داعش و... همه و همه بر بحران ملت و هویت واحد در منطقه افزوده است؛ بنابراین در آینده، تضادهای هویتی میان کشورهای منطقه خاورمیانه، از عوامل چالش‌زا و کلیدی در برقراری ثبات و امنیت منطقه خواهد بود.

گویه ۲۲: این پرسش هم از جمله گویه‌هایی بود که در مورد آن اجماع حاصل نشد. طیف پاسخ‌ها به این گویه به گونه‌ای بود که تقریباً دو دیدگاه مخالف و موافق با یک وزن هستند. ۳۵ درصد از پاسخ‌دهندگان، موافق آن بودند که تحقق اسلام سیاسی - انقلابی در آینده منطقه خاورمیانه، مطلوب‌ترین گزینه برای منافع ملی جمهوری اسلامی است و ۳۷ درصد مخالف این سناریو هستند. موافقین بر این باورند که اسلام سیاسی - انقلابی با سه ویژگی اسلامی و دموکراتیک و اولویت با استقلال داخلی و در قالب مردم‌سالاری دینی در منطقه، بیشترین منافع و کمترین تهدید را برای جمهوری اسلامی دارد. این گروه همچنین تحقق این سناریو را در راستای تقویت محور مقاومت در منطقه می‌دانند. در مقابل، مخالفین اولاً بر این باورند که تفسیر از اسلام انقلابی متکثر است و بیشتر در معنایی مغایر با اسلام رحمانی می‌باشد؛ در ثانی، اسلام انقلابی راه را بر برخی تعاملات منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و به تبع توسعه کشور خواهد بست.

گویه ۲۳: واقعیت این است که بسیاری از جنبش‌ها و ملت‌های اسلامی منطقه خاورمیانه، به صورت هم‌زمان پیگیر دموکراتیک‌سازی و احیاگری اسلامی هستند. آنان از یک سو تأکیدشان بر هویت دینی در همه ابعاد زندگی است و از سوی دیگر به دنبال مشارکت گسترده در فرآیند سیاسی هستند؛ بنابراین مخالفت مسلمانان با تعریف انحصاری از دموکراسی است و گرنه مفاهیمی

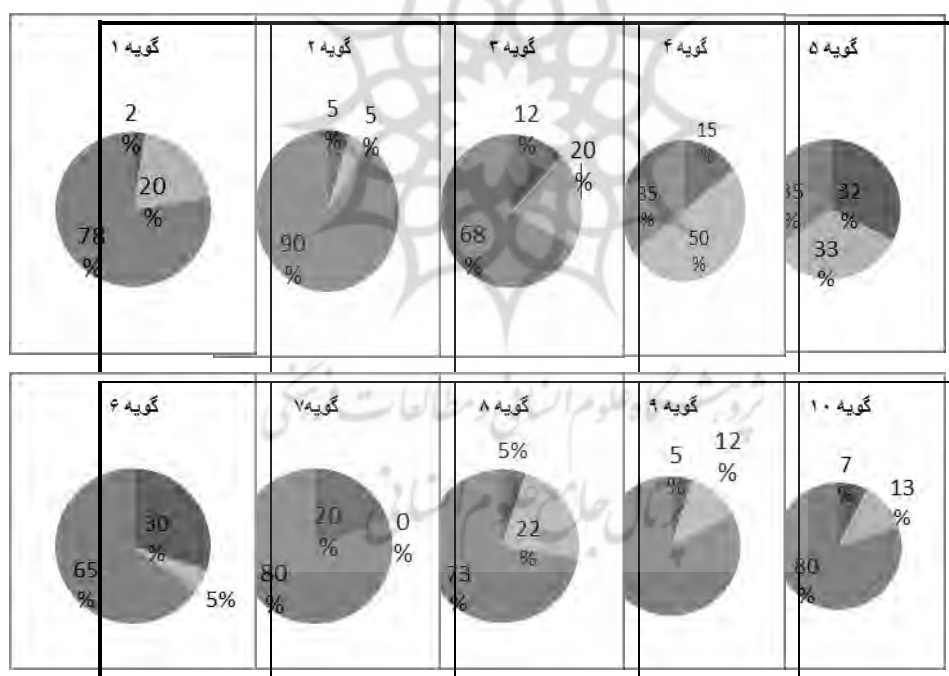
چون شورا و اجماع و اجتهاد، همگی مفاهیم اصلی در دموکراسی اسلامی هستند. بر این مبنا، در خاورمیانه آینده، به صورت همزمان تقاضای برای دموکراسی بیشتر و توجه به دین در اداره امور کشور، همچنان دو خواست عمومی مردم منطقه خواهد بود.

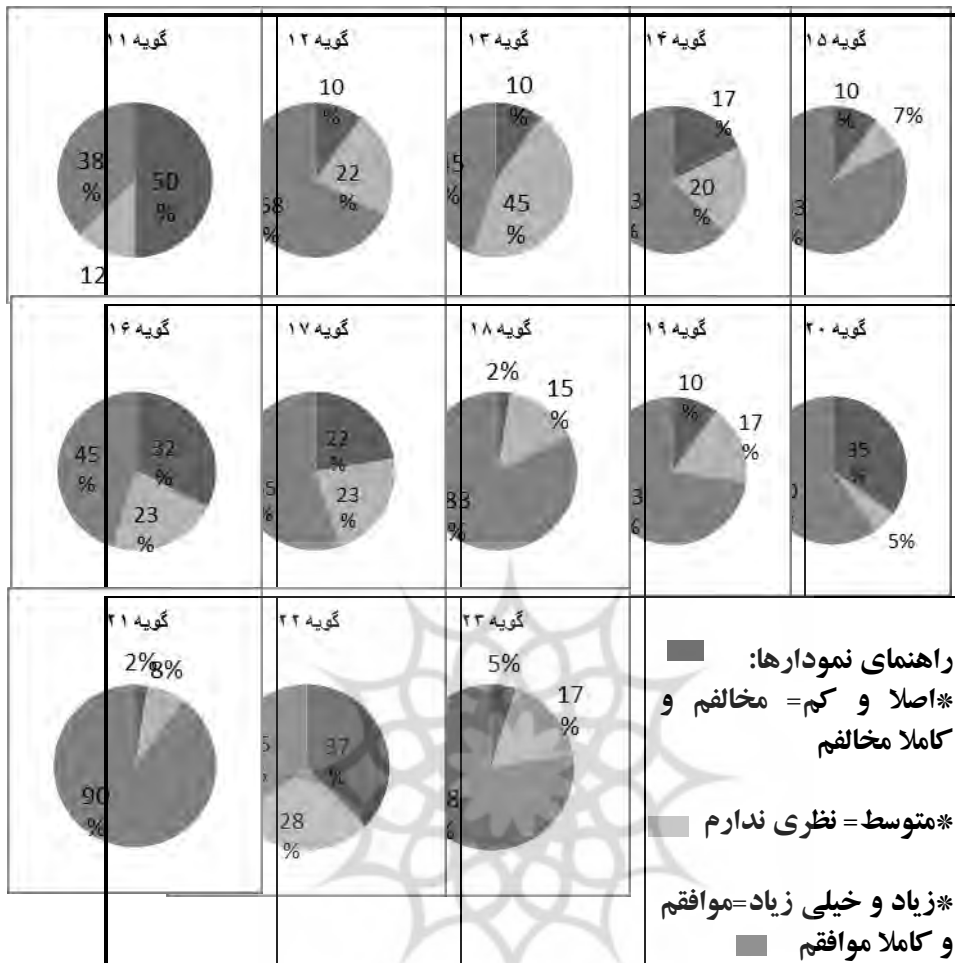
جدول ۳: نتایج پرسشنامه دلفی دریک نگاه (راند دوم)

نتایج راند دوم		سوال ۱	سوال ۲	سوال ۳	سوال ۴	سوال ۵	سوال ۶	سوال ۷	سوال ۸
تعداد شرکت کنندگان		40	40	40	40	40	40	40	40
اصلا- کاملاً مخالفم	تعداد	1	0	0	2	4	3	2	0
	درصد	2.5	0	0	5	10	7.5	5	0
کم- مخالف	تعداد	0	2	5	4	9	9	6	2
	درصد	0	5	12.5	10	22.5	22.5	15	5
متوسط- نظری ندارم	تعداد	8	2	8	20	13	2	0	9
	درصد	20	5	20	50	32.5	5	0	22.5
زیاد- موافقم	تعداد	17	25	21	12	11	24	25	19
	درصد	42.5	62.5	52.5	30	27.5	60	62.5	47.5
خیلی زیاد- کاملاً موافقم	تعداد	14	11	6	2	3	2	7	10
	درصد	35	27.5	15	5	7.5	5	17.5	25

نتایج راند دوم		سوال ۹	سوال ۱۰	سوال ۱۱	سوال ۱۲	سوال ۱۳	سوال ۱۴	سوال ۱۵	سوال ۱۶
تعداد شرکت کنندگان		40	40	40	40	40	40	40	40
اصلا- کاملاً مخالفم	تعداد	0	0	4	1	0	1	2	3
	درصد	0	0	10	2.5	0	2.5	5	7.5
کم- مخالف	تعداد	2	3	16	3	4	6	2	10
	درصد	5	7.5	40	7.5	10	15	5	25
متوسط- نظری ندارم	تعداد	5	5	5	9	18	8	3	9
	درصد	12.5	12.5	12.5	22.5	45	20	7.5	22.5
زیاد- موافقم	تعداد	27	19	12	17	14	21	22	12
	درصد	67.5	47.5	30	42.5	35	52.5	55	30
خیلی زیاد- کاملاً موافقم	تعداد	6	13	3	10	4	4	11	6
	درصد	15	32.5	7.5	25	10	10	27.5	15

نتایج راند دوم		سوال ۱۷	سوال ۱۸	سوال ۱۹	سوال ۲۰	سوال ۲۱	سوال ۲۲	سوال ۲۳
تعداد شرکت کنندگان		40	40	40	40	40	40	40
اصلا- کاملا مخالفم	تعداد	3	0	0	1	1	4	1
	درصد	7.5	0	0	2.5	2.5	10	2.5
کم- مخالف	تعداد	6	1	4	13	0	11	1
	درصد	15	2.5	10	32.5	0	27.5	2.5
متوسط- نظری ندارم	تعداد	9	6	7	2	3	11	7
	درصد	22.5	15	17.5	5	7.5	27.5	17.5
زیاد- موافقم	تعداد	15	25	25	18	22	8	24
	درصد	37.5	62.5	62.5	45	55	20	60
خیلی زیاد- کاملا موافقم	تعداد	7	8	4	6	14	6	7
	درصد	17.5	20	10	15	35	15	17.5





نمودارهای ۱: درصد پاسخگویی خبرگان به گویه‌های ۲۳ گانه پرسش‌نامه دلفی در راند دوم

سناریوهای نهایی و تحلیل آنها

در رابطه با عدم قطعیت‌هایی که در سیر مراحل انجام این پژوهش به دست آمد، مسائل متعددی وجود دارد. برخی از این مسائل عبارت‌اند از: حرکت به سوی دموکراسی یا دور شدن از آن، گرایش به حکومت دینی یا بر خلاف آن، گرایش به دولت‌های سکولار، بهبود یا تضعیف شرایط اقتصادی دولت‌های منطقه و همچنین چگونگی رشد طبقه متوسط جوامع خاورمیانه، کاهش یا افزایش معضلات زیست‌محیطی، وضعیت شکاف‌های هویتی قومیتی و مذهبی و آینده آن، تأثیر رسانه‌های نوین و شبکه‌های اجتماعی در تحولات منطقه، آینده گروه‌های سلفی تکفیری و نوع رابطه دولت‌ها و ملت‌های منطقه و همچنین قدرت‌های خارجی با این پدیده جدید،

تغییر یا استمرار استراتژی ایالات متحده در رابطه با خاورمیانه، نوع برخورد و تعامل دولت‌های رانتیر با مردم منطقه، آینده جریان میانه‌روی اسلامی و نوع شبکه‌سازی و حمایت‌های خارجی از این حرکت.

در ابتدای فرآیند پژوهش دلفی حاضر، با استفاده از مطالعات و برخی روندکاوی‌هایی که صورت گرفت و با تحلیل برخی تحقیق‌های آینده‌پژوهی معتبر جهانی و همچنین مصاحبه با خبرگان موضوع، عدم قطعیت‌های گفته شده استخراج شد و در قالب گویه‌های پرسش‌نامه دلفی در دو مرحله و از سوی متخصصان و نخبگان موضوع سنجیده و اولویت عدم قطعیت‌ها و پیش‌ران‌های کلیدی روندهای آینده شناسایی شدند. آنچه اجمالاً در بررسی روندهای موجود در خاورمیانه به نظر می‌آید، آن است که به‌طور کلی دو انتظار عمومی اجرای شرع مقدس اسلام و افزایش مشارکت مردم در عرصه‌های سیاسی جامعه، مطالبه کلی ملت‌های منطقه است؛ بنابراین روندهای آینده خاورمیانه نیز متأثر از این دو پیش‌ران اصلی و محرک، یعنی اسلام و دموکراسی خواهد بود. اگرچه عوامل دیگری هم در صحنه خاورمیانه نقش ایفا می‌کنند؛ اما به‌طور کلی جریان‌ها و روندهای اصلی خاورمیانه بیش از عناصر دیگر از این دو خواسته مردم منطقه متأثر خواهند بود. با توجه به این یافته مهم و بر اساس تحلیل داده‌های گردآوری شده از مجموع دو دور توزیع پرسش‌نامه در میان متخصصین، می‌توان چهار سناریوی مختلف را در زمینه روندهای آینده دموکراسی تا سال ۲۰۲۵ استخراج کرد که از بقیه سناریوهای ممکن محتمل‌ترند. این سناریوها به شرح ذیل‌اند:

* خاورمیانه دموکراتیک

سناریوی اول: تفوق و شکل‌گیری حکومت‌های دموکراتیک با رعایت رویکردها و موازین دین (مردم‌سالاری دینی) در خاورمیانه تا سال ۲۰۲۵، بهترین سناریوی ممکن در جهت تأمین منافع ملی جمهوری اسلامی ایران خواهد بود.

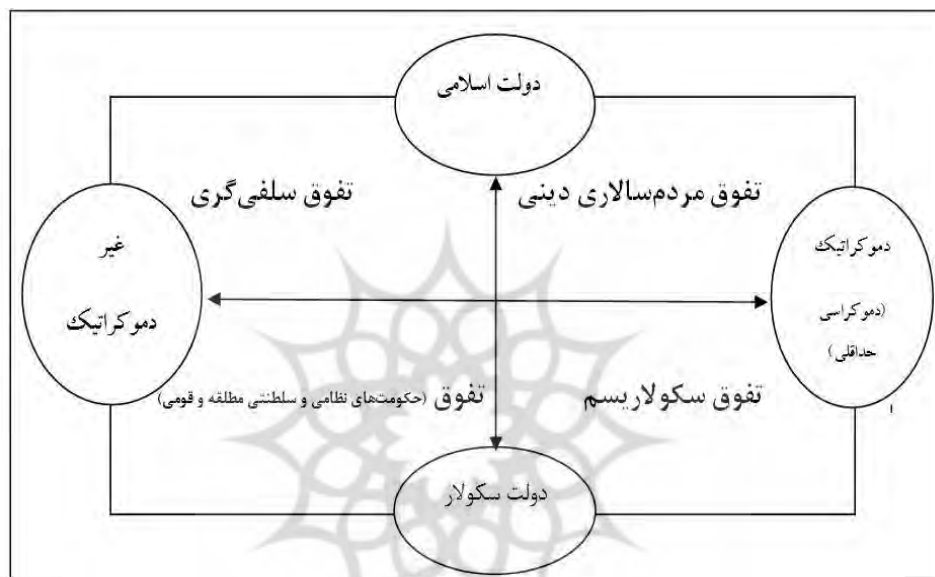
سناریوی دوم: تفوق و شکل‌گیری حکومت‌های دموکراتیک با گرایش به تجددگرایی، در خاورمیانه تا سال ۲۰۲۵، اگرچه دارای تهدیداتی است، اما ظرفیت فرصت‌آفرینی چشمگیری نسبت به تهدیدات حاکمیت غیردموکراتیک‌ها برای منافع ملی جمهوری اسلامی ایران دارد.

* خاورمیانه غیردموکراتیک

- سناریوی سوم: تفوق و شکل‌گیری حکومت‌های غیردموکراتیک با گرایش‌های

سلفی، تکفیری در خاورمیانه تا سال ۲۰۲۵، بیشترین تهدید را برای منافع ملی جمهوری اسلامی ایران در بر دارد.

سناریوی چهارم: تفوق و شکل‌گیری حکومت‌های غیردموکراتیک با تمایلات سکولار و عمدتاً در قالب‌های سلطنتی مطلقه و نظامی و قومی در خاورمیانه تا سال ۲۰۲۵، تهدیدات زیادی را برای منافع ملی جمهوری اسلامی ایران در بر دارد.



شکل ۱: سناریوهای روندهای آینده دموکراسی در خاورمیانه تا ۲۰۲۵

سناریوی اول: تفوق و شکل‌گیری حکومت‌هایی با تأکید بر مردم‌سالاری دینی

تفوق و شکل‌گیری حکومت‌هایی با ویژگی‌های اسلام‌گرایی و دموکراسی خواهی در واقع، تحقق خواست اصلی جمهوری اسلامی و مطلوب‌نهایی موردنظر و در جهت تأمین منافع ملی ایران است. در صورت تحقق این سناریو، زمینه تعمیق و افزایش درک متقابل بین ایران و دولت‌های منطقه بیشتر خواهد شد و ایران از این مسیر به منافع حداکثری دست خواهد یافت. نزاع میان شیعه و سنی و محور مقاومت و محور سازشکار فروکش کرده و هزینه‌ها کمتر و منافع بیشتر خواهد بود.

از سوی دیگر، اگرچه تحقق این سناریو به نسبت سناریوهای دیگر، کمترین تهدید را متوجه جمهوری اسلامی خواهد کرد؛ اما ممکن است همگونی نظام‌های منطقه زمینه رقابت را در میان

ایران و کشورهای دیگر فراهم کند و آنگاه در این رقابت کشوری برنده است که زمینه توسعه و نوسازی و کاهش معضلات داخلی و خارجی را بیش از دیگران فراهم کرده باشد و در اذهان ملت، کارآمدتر جلوه کند. در این مسیر، جمهوری اسلامی می‌تواند با گشودن درب‌های ارتباط میان علمای شیعه و سنی و با وساطت این جریان خردمحور، زمینه تضادهای هویتی موجود را تضعیف کرده و مانند برخی از دوره‌های تاریخی نوعی گفت‌وگو و وحدت‌بخش را ترویج دهد.

سناریوی دوم: تفوق و شکل‌گیری حکومت‌های دموکراتیک با گرایش به لیبرال‌دموکراسی
 فرآیند دموکراتیک در کشورهای عربی ممکن است به قدرت‌یابی شخصیت‌های معتدل و باتجربه در این کشورها بینجامد که این حالت به شکل‌گیری رابطه‌ای منطقی و متقابل کمک می‌کند. از سوی دیگر، یکی از برنامه‌ها و اهداف اصلی این جریان، نوسازی و توسعه و ارتقای شاخص‌های اجتماعی و انسانی و رفاهی در جوامع است؛ مسائلی که همگی به عنوان معضلات منطقه از آن یاد می‌شود. طبیعی است هرگونه پیشرفت در این زمینه کمکی است به ارتقای ثبات و امنیت در منطقه و در راستای منافع جمهوری اسلامی. مباحث آموزشی هم از مسائلی است که امکان دارد تحول در آن خصوصاً در حوزه تعدیل افراط‌گرایی‌های در منطقه موثر باشد. به هر روی، قدرت‌یابی این جریان در مقابل جریان سلفی منافع بیشتر و تهدیدات کمتری برای جمهوری اسلامی دارد؛ اما از سوی دیگر، اگر روند دموکراتیک شدن در کشورهای دیگر به گونه‌ای باشد که از وضعیت موجود در ایران جلوتر باشد، تقویت شاخص‌های دموکراتیک و حتی توسعه در دیگر کشورها به افزایش حساسیت‌های مدنی در ایران منجر می‌شود. از سویی با توجه به ماهیت جمهوری اسلامی ایران، شکل مطلوب دموکراسی مدنظر جمهوری اسلامی، مردم‌سالاری دینی است و دموکراسی لیبرال با مبانی و اهداف حکومت ایران تغایر و در برخی موارد تعارض دارد؛ بنابراین تقویت آن در مسیر مطلوب ایران نیست. حمایت غرب از این گروه‌ها و برنامه‌های آنها هم امکان دارد برای منافع و برنامه‌های جمهوری اسلامی در منطقه ایجاد دشواری کند.

سناریوی سوم: تفوق و شکل‌گیری حکومت‌های غیردموکراتیک با گرایشات سلفی-

تکفیری

اصولاً حاکمیت این روند بر خاورمیانه، به عنوان تهدیدآورترین سناریوی ممکن، در سه بعد ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک و ژئواستراتژیک، برای ایران نگرانی‌های فراوانی را در پی دارد. از

سویی، تشدید تعارضات هویتی شیعه و سنی سلفی و همچنین محور مقاومت و محور سازشکار را نیز در همین سناریو باید دید. با توجه به ماهیت تروریستی این جریان و خصومت ویژه آن با مبانی هویتی جمهوری اسلامی ایران، مشکلاتی از جمله امنیت مرزها، هزینه‌های اقتصادی حمایت از دوستان منطقه‌ای که از سوی اینان مورد حمله قرار گرفته‌اند، اختصاص سرمایه‌های ملی به مسائل بیرون از مرزها به جای توسعه داخلی، زمینه ورود قدرت‌های فرامنطقه‌ای به معادلات منطقه‌ای و... از جمله پیامدهایی است که احتمالاً حاکمیت این سناریو برای ایران در پی خواهد داشت؛ بنابراین با توجه به عمق تهدیدات، ایران باید تمام تلاش خود را به کار گیرد تا از قدرت‌یابی این جریان خطرناک در منطقه جلوگیری کند.

اگرچه حاکمیت این جریان بر منطقه تهدید بزرگی برای جمهوری اسلامی خواهد بود؛ اما می‌توان با درایت برخی از این تهدیدات را به فرصت‌هایی تبدیل کرد. تفکیک اسلام عقلانی از اسلام افراطی، پررنگ کردن نقش منطقه‌ای ایران و همچنین مشروعیت بخشی به حضور ایران در برخی از کشورهای هم‌پیمان، تسهیل ایجاد روابط بهتر با برخی گروه‌ها و اقلیت‌ها قومی منطقه‌ای که مورد کینه این جریان می‌باشد، از جمله کردها، مسیحیان، علوی‌ها، زیدی‌ها و...، ایجاد روابط مستحکم‌تر با روسیه و چین به عنوان قدرت‌هایی که امنیت و منافع آنها در معرض تهدید این جریان است، تثبیت ایران به عنوان لنگرگاه ثبات در منطقه، برقراری روابط و تعاملات بین‌المللی با برخی نهادها و سازمان‌های حقوق بشری در جهت مبارزه با اقدامات خشونت‌طلبانه این جریان، دیدگاه حاکم بر برخی از این گروه‌های سلفی مبنی بر اولویت مبارزه با دشمن خارجی (دور) و مقابله با نفوذ غرب در منطقه و اختلافی که با برخی رژیم‌های عربی چون عربستان دارند و... از جمله فرصت‌های ممکن است که به اقدام هوشمندانه و پویای جمهوری اسلامی نیاز دارند.

سناریوی چهارم: تفوق و شکل‌گیری حکومت‌های غیردموکراتیک با گرایش‌های سکولار و عمدتاً در قالب‌های سلطنتی مطلقه و نظامی و قومی

تحقق این گزینه که یکی از سناریوهای تهدیدآمیز برای منافع جمهوری اسلامی ایران است در هر سه وجه مخالفت با حضور مردم در صحنه و کم‌رنگ کردن نقش دین در سیاست و تعامل با برخی قدرت‌های مخالف جمهوری اسلامی، برخلاف منافع ایران است. امکان تحقق آن توازن منطقه‌ای را بر هم زده و روند مطالبات دموکراسی خواهانه در منطقه را متوقف خواهد ساخت. اقدامات نمایشی رژیم‌های سلطنتی نظامی حاکم بر منطقه در برخی آزادسازی‌های صوری و

مقطعی، همچنین موضوع دولت رانتیر و برخورد دو گانه غرب با موضوع دموکراسی، بر پیچیدگی و دشواری مقابله با این سناریو می‌افزاید. وضعیتی که هم‌اکنون نیز در خاورمیانه وجود دارد. همچنین با توجه به شرایط خاص ایران، نگرانی‌های قومیتی همواره یکی از تهدیدات اصلی برای این کشور و هشداری برای تجزیه برخی از مناطق مرزی بوده است. مسئله کردها از آن موضوعاتی است که اگر به خوبی مدیریت نشود، ممکن است معضلات مهمی را برای منافع ایران در پی داشته باشد.

با این وجود، با توجه به تحولات اخیر منطقه که حاکی از مطالبه ملت‌های خاورمیانه در رابطه با دموکراسی و اسلام به صورت همزمان است، حاکمیت این جریان، نشانگر مقاومت در برابر این خواست عمومی است و جمهوری اسلامی ایران با حمایت از این مطالبه عمومی و ارائه ایده دموکراتیک موردنظر خود، می‌تواند زمینه نفوذ و تعمیق روابط میان جمهوری اسلامی ایران و ملت‌های منطقه را فراهم آورد و از سویی به تلطیف چهره عمومی ایران در منظر بین‌المللی کمک کند.

در رابطه با موضوع قومیتی کردها نیز، اولاً کردهای ایران نسبت به کردهای عراق و ترکیه و سوریه گریز از مرکز کمتر و تعلق خاطر بیشتری نسبت به کشور خود دارند؛ ثانیاً پیشینه تاریخی وفاداری قومیت‌های ایرانی به کشورشان و تعامل حاکمیت با قومیت‌ها هم در این زمینه راهگشا است. از سویی ایران گاهی با حمایت از برخی از این گروه‌های قومی که در کشورهای همسایه حضور و نفوذ گسترده داشته‌اند، عملاً بر روی تحولات آن کشورها و حتی معادلات منطقه‌ای اثر گذار بوده است. ادامه این روند به آینده‌نگری و پویایی ایران بستگی دارد.

نتیجه‌گیری

مطلوب‌ترین سناریوی از منظر منافع جمهوری اسلامی ایران، تحقق مردم‌سالاری دینی با تأکید بر حفظ استقلال و هویت بومی اسلامی در منطقه است. در واقع، مردم‌سالاری دینی با ظهور انقلاب اسلامی ایران پدیدار شد که شکل جدیدی از حکومت‌داری است. تأکید بر نقش مردم در عرصه سیاست و اجرای شریعت اسلامی، دو ویژگی خاص این نوع نظام دموکراتیک دینی است. تحولات اخیر منطقه و مطالبات اظهارشده مردم هم نشانگر آن است که دو خواسته اصلی و توأمان ملت‌های منطقه، اسلام و دموکراسی هستند؛ لذا ایران اسلامی به عنوان مبدع این نظام نوپدید، اگر هوشمندانه و با تدبیر عمل کند می‌تواند مروج این نوع از حکومت باشد.

جمهوری اسلامی ایران برای آنکه بتواند به این هدف دست یابد نیازمند برخی اقدامات و تحولات در سه عرصه داخلی و منطقه‌ای و بین‌المللی است. در عرصه داخلی هرچه مشروعیت حکومت مردم‌سالار دینی ایران بیشتر شود قدرت و استحکام درونی آن بیشتر شده و زمینه نفوذ و تهاجم خارجی به بهانه ترویج دموکراسی کاهش می‌یابد. به تبع اعتبار بین‌المللی ایران افزایش می‌یابد و قدرت چانه‌زنی آن با دیگر کشورها بیشتر می‌شود. مضاف بر اینکه ایران از قومیت‌ها، مذاهب و شکاف‌های اجتماعی بالقوه متعددی برخوردار است که ضرورت افزایش مشروعیت داخلی را بیش از پیش نمایان می‌سازد. اجماع‌سازی درونی، کاهش معضلات اجتماعی، افزایش سطح رفاه عمومی و... موجب افزایش مشروعیت و قدرت و در نتیجه، کارآمدی ایران خواهد شد؛ آنگاه الگوی مردم‌سالاری اسلامی ایران با کمترین مانع و بیشترین رغبت در میان ملت‌های منطقه پذیرفته خواهد شد. در بُعد منطقه‌ای، استفاده بهینه از دیپلماسی عمومی در جهت ارتباط با ملت‌های منطقه، همکاری با تشکل‌های مردم‌نهاد متشکل از نخبگان ایرانی و دیگر جوامع اسلامی، حمایت از مطالبات مردم‌سالارانه دینی ملت‌های منطقه، اقدامات تنش‌زدا و اعتمادساز در راستای کاهش ایران‌هراسی، برگزاری نشست‌های بزرگ اسلامی حول محور شعارهای مشترک، هوشیاری در برابر تهدیدات و بالاخره یادآوری دوران عظمت و شکوه اسلام و... می‌تواند به ترویج مدل مردم‌سالاری دینی موردنظر جمهوری اسلامی کمک کند. همچنین در بعد بین‌المللی، معرفی ایران به عنوان یکی از حامیان جهانی دموکراسی و مردم‌سالاری دینی و اصلاح برخی رفتارها که چهره نامطلوبی از ایران را به تصویر می‌کشد، برقراری ارتباط و تعامل با کشورهای مؤثر جهانی و تلاش برای خروج از انزوای سیاسی اقتصادی، تبیین هزینه‌هایی که ایران در جهت تحقق مردم‌سالاری دینی متحمل شده است و موفقیت‌هایی که در این زمینه داشته است و نهایتاً همکاری‌های بین‌المللی در جهت مبارزه با تروریسم و... از جمله مواردی است که به تحقق مدل مطلوب جمهوری اسلامی در آینده منطقه خاورمیانه کمک خواهد کرد.

منابع

الف- فارسی

- آدیسون، هربرت، آیکاف، راسل و مگیدسون، جیسون، (۱۳۸۱)، *طراحی آرمانی (خلق آینده سازمان)*، ترجمه مسعود سلطانی، تهران: نشر آسیا؛ به سفارش پژوهشکده مدیریت کیان.
- آقایی، داوود، (۱۳۸۸)، «سازهانگاری و سیاست خارجی جمهوری اسلامی در برابر اسرائیل»، *فصلنامه سیاست*، شماره ۳۹.
- باباغبی ازغندی، علیرضا، (۱۳۸۹)، «آینده پژوهی؛ رهیافتی نو در مدیریت جامع حمل و نقل شهری»، *فصلنامه مطالعات مدیریت ترافیک*، شماره ۱۶.
- بشیریه، حسین، (۱۳۸۴)، *گذار به دموکراسی*، تهران: نگاه معاصر.
- پدرام، عبدالرحیم و همکاران، (۱۳۸۸)، *آینده پژوهی (مفاهیم و روش‌ها)*، تهران: مرکز آینده پژوهی علوم و فناوری دفاعی، مؤسسه آموزشی و تحقیقاتی صنایع دفاعی.
- تقوی گیلانی، مهرداد و غفرانی، محمدباقر، (۱۳۷۹)، «مطالعات و روش‌های آینده‌شناسی»، *فصلنامه رهیافت*، شماره ۲۲.
- چرنوف، فرد، (۱۳۸۸)، *نظریه و زیرنظریه در روابط بین‌الملل: مفاهیم و تفسیرهای متعارض*، ترجمه علیرضا طیب، تهران: نی.
- دهشیری، محمدرضا، دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال، سرخیل، بهنام، (۱۳۹۲)، *جایگاه تکافل و رفتارهای حمایت‌گرایانه در دیپلماسی فرهنگی*، تهران: مرکز مطالعات فرهنگی بین‌المللی سازمان فرهنگ و ارتباطات اسلامی.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال، (۱۳۹۲)، *امنیت هستی‌شناختی در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران*، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی.
- دهقانی فیروزآبادی، سیدجلال و نوری، وحید، (۱۳۹۰)، *سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران در دولت احمدی‌نژاد*، تهران: دانشگاه امام صادق.
- روریش، ویلفرید، (۱۳۷۶)، *سیاست به مثابه علم*، ترجمه ملک‌یحیی صلاحی، تهران: سمت.
- عباسی، مجید، (۱۳۹۰)، «بازتاب‌های بیداری اسلامی و لزوم اصلاح در نظام سیاسی عربستان»، در *خاورمیانه ۸: ویژه اسلام‌گرایی و بیداری اسلامی در خاورمیانه*، معاونت پژوهشی، تهران: مؤسسه مطالعات ابرار معاصر.
- قوام، سیدعبدالعلی، (۱۳۸۵)، *اصول سیاست خارجی و سیاست بین‌الملل*، چاپ دوازدهم،

تهران: سمت.

- کوهن، کارل، (۱۳۷۳)، *دموکراسی*، ترجمه فریبرز مجیدی. تهران: انتشارات خوارزمی.
- لینکلتر، اندرو، (۱۳۸۶)، *آرمان‌گرایی و واقع‌گرایی*، ترجمه لیلا سازگار، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
- نقیب‌زاده، احمد، (۱۳۷۳)، *نظریه‌های کلان روابط بین‌الملل*، تهران: قومس.
- مشیرزاده، حمیرا و مسعودی، حیدرعلی، (۱۳۸۸)، «هویت و حوزه‌های مفهومی روابط بین‌الملل»، *فصلنامه سیاست دانشکده حقوق و علوم سیاسی*، شماره ۳۹.

ب- انگلیسی

- Beretta, R, (1996), "A Critical Review of the Delphi Technique", *Nurse Researcher*, Vol.3, No. 4.
- Browne, N, Robinson, L, & Richardson, A, (2002), "A Delphi study on the Research Priorities of European Oncology Nurses", *European Journal of oncology Nurses*, Vol.6, No. 3.
- Crick, Sir Bernard, (2000), *Essays on Citizenship*, London and New York: Continuum Collection.
- Glenn, Jerome, (2003), "Introduction to Future Research Methodology Series", *Future Research Methodology*, Vol.2.
- Huntington, Samuel. P, (1991), *The Third Wave: Democratization in the Late Twentieth Century*, Norman: University of Oklahoma Press.
- Kyriazis, Demosthenes D, (2005), *Direct Democracy in Telearea*, Skitso co, Athens: Greece Patakis Publications.
- Lincoln, G.A. & Padelford, N.J & Olevy, L.D, (1976), *The Dynamics of International Politics*, New York: Macmillan Publishing Company.
- Ludwing, L & Starr, S, (2005), "Library as Place: Results of a Delphi Study", *Journal of the Medical Library Association*, Vol.93, No. 3.
- Price R, & Reus Smit, C, (1998), "Critical International Theory and Constructivism", *European Journal of International Relations*.
- Schumpeter, Joseph, A, (1942), *Capitalism, Socialism and Democracy*, New York: Harper & Brothers.

- Sklar, Richard L, (1996), "Towards a Theory of Development Democracy", in *Democracy and Development, Theory and Practice*, Adrian Leftwich, Cambridge: Polity Press.
- Tilly, Charles, (2007), *Democracy*, Cambridge: Cambridge University Press.
- Wendt, Alexander, (1995), "Constructing International Politics", *International Security*, Vol.20, No. 1.
- Wendt, Alexander, Jepperson. R. & Katzenstein, P, (1996), "Norms, Identity, and Culture in National Security, In P. Katzenstein", *The Culture of National Security: Norms and Identity in World Politics*, New York: Columbia University Press.
- Woolf, Alex, (2005), *Democracy*, London: Evans Brothers.

